

کودتای 28 مرداد سنتزی معلول دو پروسه قیام مردمی تز و همسوئی چهارجریان آنتی تز

مقدمه :

متدولوژی بررسی کودتای 28 مرداد : در باب کودتای 28 مرداد 1332 که سرفصل جدیدی در تاریخ سیاسی - اقتصادی - اجتماعی کشورمان می باشد چه در داخل کشور و چه در خارج کشور بسیاری گفته و بسیاری نوشته اند و مدت 55 سال استکه می گوئیم و می نویسیم بعضی بدفاع از کودتا بعضی بر علیه کودتا اما آنچه در بین این خیل عظیم نوشته ها و گفته ها مفقود شده است دستاورد تئوریک نهضت 12ساله مقاومت ملی مردم ما تحت رهبری دکتر محمد مصدق می باشد که باعث گردید این نهضت در بستر سه مرحله:

1. تکوین

2. اعتلا

3. سقوط به کودتای 28 مرداد منجر گردد

و دلیل عمده این ناتوانی و این فقدان ، بدو عامل برگشت پیدا می کند:

1. شخصیت پرستی که جزو روانشناسی دیرینه تاریخ ما می باشد.
2. فقدان متدولوژی تحلیلی که این هم باز بر میگردد به ضعف تاریخی یکسویه نگری ما در آنالیز تئوریک مسائل .

متدولوژی دیالکتیکی در تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی - تاریخی : آنچه بینش دیالکتیکی در تجزیه و تحلیل مسائل تاریخی - سیاسی - اجتماعی حکم می کند اینکه کلا با وقایع اجتماعی - تاریخی بصورت دیالکتیکی برخورد کنیم و برای برخورد دیالکتیکی با وقایع تاریخی - اجتماعی باید ابتدا با پیش فرض سنتزی به وقایع تاریخی برخورد کنیم طبیعی استکه در اینصورت بینش و نگاه ما در برخورد با حوادث تاریخی با زمانیکه ما با بینش تزی به حوادث تاریخی نگاه می کنیم و یا با بینش آنتی تزی به حوادث نگاه می کنیم متفاوت می باشد چرا که زمانیکه ما با بینش و نگاه سنتزی به حوادث تاریخی نگاه می کنیم حادثه تاریخی مثل کودتای 28 مرداد يك معولی می باشد که در تکوین آن دو علت مخالف تز و آنتی تز دخالت داشته اند و طبیعی استکه در این صورت برای تحلیل ما فورا به بررسی ریشه حادثه یعنی تز و آنتی تز بپردازیم اما در صورتیکه ما بجای برخورد سنتزی با حادثه های تاریخی با نگاه مکانیکی تزی به تحلیل حوادث تاریخی - اجتماعی بپردازیم در آنصورت تمامی ریشه حوادث بر پایه عامل درونی صرف مورد بررسی قرار می گیرد و نقش عوامل برونی حتی بصورت شرط فراموش میگردد و بهمین ترتیب در رابطه با متدولوژی آنتی تزی بجای متدولوژی تزی ما به ورطه تفریط می افتمیم که حاصل آن عمده کردن شرایط برونی و نادیده گرفتن نقش درون در وقوع حادثه اجتماعی - تاریخی می باشد ماحصل اینکه در رابطه با متدولوژی حوادث تاریخی ما به سه شکل می توانیم عمل کنیم:

1. متدولوژی سنتزی

2. متدولوژی تزی

3. متدولوژی آنتی تزی

در متدولوژی سنتزی بررسی حوادث تاریخی ما درون و برون را در پیوند دیالکتیکی با یکدیگر قرار می دهیم و حادثه تاریخی را میوه درخت آن تعامل دیالکتیکی درون و برون می دانیم. اما در متدولوژی تزی و یا متدولوژی آنتی تزی بررسی حوادث تاریخی ما دیگر به رابطه دیالکتیکی در پیدایش حوادث معتقد نیستیم بلکه بلعکس بینش ما يك بینش مکانیکی خواهد بود که در تکوین حوادث تاریخی یا تز و درون را عمده و مطلق می کنیم و نقش حوادث برونی را نادیده می گیریم یا اینکه آنتی تز یا برون را عمده می کنیم و نقش مسائل دیگر را نادیده می گیریم.

البته این ضعف بینش و متدولوژی در تحلیل مسائل تاریخی نه تنها به واقعه 28 مرداد خلاصه میشود بلکه تقریباً تمامی حوادث تاریخی - اجتماعی - مذهبی ما دچار این آفت متدولوژی شده اند برای نمونه واقعه عاشورای حسین را در نظر بگیرید (که امروز در دست ما به چه روز سیاهی افتاده و تبدیل شده به معرکه گیری ارتجاع مذهبی و وسیله تخدیر توده های مذهبی ما) چرا امروز به این وضعیت افتاده است ؟ تنها به این دلیل استکه ما به این حادثه تاریخی بر پایه يك متدولوژی سنتزی نگاه نکرده ایم تا شرایط شرط و اساس آنرا با يك نگاه واقع بینانه در پیوند دیالکتیکی با یکدیگر قرار دهیم و از تعامل آنها به تحلیل حادثه عاشورا بپردازیم در چنین حالتی استکه عاشورا دیگر به عنوان يك حادثه فراتاریخی آنچنانکه امروز هست برای ما تجلی نخواهد کرد بلکه بلعکس ، بصورت يك حادثه تاریخی با تمام مشخصات و ویژگیهای تاریخی نمایان میشود که می توانیم از آن درس بگیریم و بجای اشک چشم ریختن در پای آن آنچنانکه امروز ارتجاع مذهبی

طلب می کند پراتیک اجتماعی در پای آن خواهیم ریخت.

کودتای 28 مرداد در بوته متدولوژی سنتزی : اگر با چنین نگاه و متدولوژی خواهیم واقعه تاریخی کودتای 28 مرداد را مورد مطالعه قرار دهیم بی شک نخستین پیش فرض باید برای ما این باشد که کودتای 28 مرداد معلولی یا محصولی از تعامل دو جریان در شرایط تاریخی خود بوده است یکی جریان تز که بستر اساسی دیالکتیک سنتز فوق بوده است دوم جریان آنتی تز که بعنوان عامل برونی دیالکتیک سنتز فوق عمل کرده است.

عامل تز در عرصه تکوین کودتای 28 مرداد : بی شک عامل تز در تکوین کودتای 28 مرداد 32 نهضت مقاومت ملی مردم ایران رهبری دکتر محمد مصدق می باشد که بصورت مشخص مدت 12 سال از شهریور 20 پس از شکست دیکتاتوری رضاخان تا 28 مرداد 32 بی وقفه ادامه داشت و بر پایه سه شعار شکل یافته است که عبارت می باشد از:

1. ملی شدن صنعت نفت
2. شاه باید سلطنت کند نه حکومت
3. اقتصاد بدون نفت با سه مضمون مرحله ای:

الف - مبارزه رهائیبخش تحت لوای شعار ملش شدن صنعت نفت بعنوان شعار عمده و اولین شعاری که دکتر محمد مصدق توسط آن کوشید تا به بسیج خلق ایران بر علیه امپریالیسم انگلیس بپردازد و با ملی کردن صنعت نفت زمینه رهائی از وابستگی اقتصادی - سیاسی به امپریالیسم فراهم سازد.

ب - مبارزه آزادی خواهانه تحت لوای شعار شاه باید سلطنت کند نه حکومت کند که توسط این شعار مصدق علاوه بر اینکه می خواست با تغییرات کودتائی که در سال 1328 توسط باند پهلوی در قانون اساسی بوجود آمده بود و با این تغییر تعیین وزیر جنگ یا فرمانده کل را از چنگ نخست وزیر و مجلس بیرون آورده بود و در اختیار شاه قرار داده بود مقابله کند بلکه مهمتر از مصدق اعتقاد داشت که آنچه زمینه آزادی های دمکراتیک در جامعه فراهم می کند فقط و فقط انتقال قدرت از دیکتاتور به مردم و نمایندگان مردم و دولت منخب مردم می باشد و در همین راستا بود که مصدق معتقد بود که کلید نهضت آزادیخواهانه در انتقال قدرت از بالا بطرف پائین می باشد یعنی تازمانیکه يك ولايت فقيه در بال نشسته باشد که تمامی قدرتهای فرهنگی - مذهبی - اقتصادی - اداری - قضائی - نظامی - انتظامی و سیاسی و... در اختیارش باشد و تحت لوای مذهب و خدا و امام زمان و شریعت و فقهت بر جامعه و مردم خدائی می کند صحبت آزادی و انتخاب و رای و شورا و مجلس و تفکیک قوی و آزادی بیان و آزادی عقیده و آزادی قلم و آزادی احزاب و... کردن يك شوخی بیشتر نیست از نگاه مصدق برای تحقق ارمان های آزادیخواهانه اول باید نقد قدرت کرد و توسط آن شاه یا ولی فقیه را خلع قدرت کرد بعد به تحقق شعارهای آزادیخواهانه دل ببندیم بدین خاطر است که مصدق در متن استعفاء نامه خود در 25 تیرماه 1331 خطاب به شاه می نویسد: در این موقع حساس ایجاب می کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصا عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشد. البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند و با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه ای را که ملت ایران شروع کرده است پیروز مندانه خاتمه یابد.

ج - مبارزه عدالتخواهانه تحت لوای شعار اقتصاد بدون نفت مصدق که با این شعار مصدق معتقد بود که تا زمانیکه اقتصاد ما وابسته به سرمایه خارجی و چاههای نفت باشد شعار عدالتخواهانه ضد استثمار یك شعار گمراه کننده خواهد بود چراکه از نگاه مصدق استثمار بزرگ در جوامع با اقتصاد وابسته استثمار می باشد و استثمار داخلی نسبت به استثمار خارجی جنبه محاط دارد برای همین منظور بود که مصدق در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل می گفت: بیلان فعالیت شرکت نفت انگلیس تا این زمان نشان میدهد که در نیم قرنی که از آغاز بهره برداری از چاههای نفت ایران میگذرد این شرکت غارت عظیمی از منابع این ملت کرده است در این مدت 326 میلیون تن نفت مطابق امار احیاناً کوچک شده انگلیس از ایران استخراج کرده است که در مقابل آن 790 میلیون لیره سودی میشود که به سهامداران شرکت و دولت انگلیس رسیده است و از این مبلغ تنها 105 میلیون لیره به مالکان اصلی یعنی مردم ایران داده شده است.

بنابراین پروسه تز دیالکتیک کودتای 28 مرداد نهضت 12 ساله مقاومت ملی مردم می باشد که تحت رهبری دکتر محمد مصدق با سه مضمون رهائیبخش و آزادیخواهانه و عدالت طلبانه توانست بعد از جنگ جهانی دوم رهبری جنبش های رهائیبخش و آزادیخواهانه و عدالت طلبانه در کشورهای پیرامونی و تحت سلطه را بدست گیرد و برای همین خاطر است که وقتی مصدق در سر راه برگشت از امریکا و شرکت در مجمع سازمان ملل به قاهره وارد میشود هزاران مصری آزادی طلب در مراسم استقبال از مصدق تفر خود را از انگلستان با فریاد مرحبا مصدق سر می دادند برای درک جایگاه تاریخی نهضت مقاومت ملی مردم ایران در 12 سال (شهریور 20 تا 28 مرداد 32) باید به وضعیت مبارزه رهائیبخش و

آزادخواهانه و عدالت طلبانه کشورهای تحت سلطه بعد از جنگ جهانی دوم توجه کنیم که چگونه با پایان جنگ دوم جهانی و فرارسیدن مرحله تقسیم باز تقسیم جهان بر پایه کشورهای امپریالیسم پیروز در جنگ یعنی مرحله گذار و ضعف کشورهای امپریالیستی بعثت شش سال جنگ خانمانسوز دوم جهانی که حاصل آن ویرانی و نابودی و کشتار میلیونها نفر مردم کشورهای متروپل خلقهای تحت سلطه یکمرتبه کوشیدند که با تمامی سرمایه های خود که همان زنجیرهای سلطه ای بود که بر دست فکر آنها بود در تمامی کشورهای تحت سلطه بمیدان بیابند و هرکدام بطریقی (یکی توسط جنگ مسلحانه و دیگری توسط حرکتهای سازمانگرایانه حزبی توده ای و بالاخره سومس توانستن با ملی کردن سرمایه های وابسته به متروپل خارجی توسط دولتهای داخلی) به صحنه بیابند و به مبارزه رهابخش خویش لباس عینیت پوشانند طبیعی استکه در این کارزار ضد امپریالیستی خلقها اولین خلقی که توانست پرچم پیروزی بر دوش خود حمل کند خلق قهرمان ایران برهبری دکتر مصدق بود که توانست حق مسلم ملت ایران بر معادن و صنایع نفت را توسط دیوان داوری لاهه و شورای امنیت و مجمع جهانی سازمان ملل بر دولت استعمار و استثمارگر انگلیس محقق سازد و با این پیروزی انگیزه امکان پیروزی بر کشورهای متروپل توسط کشورهای پیرامونی به نمایش گذارد و بهمین خاطر استکه که می توان گفت نهضت مقاومت ملی مردم ایران در آن سالها بخاطر تند پیچ نهضت جهانی خلقها بیش از اینکه يك نهضت درونی و ملی باشد يك حرکت فراملیتی جهانی -تاریخی بوده است که مضمون سه گانه آن نهضت جهانی خلق های بپاخواسته را تبیین میکرده است .

عامل آنتی تز در عرصه شکل گیری کودتای 28 مرداد: برای بررسی نقش عامل آنتی تز در شکل گیری کودتای 28 مرداد باید برگردیم و از ابتدای تاریخ سیاسی پیدایش نفت در کشورمان موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم چراکه آنچنانکه سنگ بنیادین عامل تز در کودتای 28 مرداد خوداگاهی تاریخی خلق کشورمان بود در رابطه با عامل آنتی تز در شکلگیری کودتای 28 مرداد 32 سنگ بنادین پروسه تاریخی آنتی تز کودتای 28 مرداد نفت می باشد که تاریخ سیاسی این پدیده بیانگر تاریخ سیاسی پروسه آنتی تز کودتای 28 مرداد می باشد که اصول محوری تاریخ سیاسی نفت در کشورمان که همان پروسه شکلگیری آنتی تز کودتای 28 مرداد می باشد بصورت ذیل می باشد:

1. پنج سال قبل از پیروزی انقلاب مشروطیت ایران (که در 14 مرداد 1285 انجام گرفت) یعنی در سال 1280 شمسی که مقارن با سال 1901 میلادی بود امتیاز نامه داری برای مدت شصت سال به امضای مظفردالدینشاه رسید با امضای امتیاز نامه داری تاریخ سیاسی نفت کشورمان یا بعبارت دیگر پروسه آنتی تز کودتای 28 مرداد آغاز شد و از این تاریخ استکه که نفت در اقتصاد ما دیگر بعنوان يك ماده اولیه اقتصادی نمی باشد بلکه بصورت يك پدیده سیاسی تاریخ ساز وارد وارد اقتصاد سیاسی جامعه ما میگردد اصول محوری امتیاز نامه داری عبارت بودند از:

الف - بهره برداری از منابع نفتی ایران برای مدت 60سال بجز پنج ایالت شمالی که روسیه تزاری به آن چشم داشت در اختیار داری قرار گرفت.

ب - به موجب قرارداد داری صاحب امتیاز حق انحصاری استخراج ، تصفیه ، حمل و نقل ، لوله کشی تا خلیج فارس ، معافیت مالیاتی ، معافیت گمرکی ، استفاده رایگان از زمین های بایر دولتی و فروش نفت خواهد داشت.

ج - به موجب این قرارداد دولت ایران موظف گردید تا حفظ امنیت و حفاظت مایملک شرکت نفت داری تامین نماید - سهم ایران از این قرارداد 16% بود که البته بیش از 13% اصلا پرداخت نشد آنها با چند سال وقفه و نپرداختند.

2. در سال 1288 شمسی یا 1909 میلادی شرکت نفت ایران -انگلیس با کسب امتیاز شرکت نفت داری جایگزین شرکت نفت داری شد که دولت انگلیس بعثت اینکه 56% سهام شرکت نفت ایران -انگلیس مالک بود لذا همواره زمام امور این شرکت را در دست داشت.

3. سی سال بعد از قرارداد داری دولت انگلیس و در نتیجه شرکت غارتگر نفت ایران - انگلیس تصمیم به تجدید قرارداد تا 60سال آینده یعنی تا سال 1992 که از نگاه آنها نفت ایران کاملا تمام میشود گرفتند لذا در همین رابطه بود که در خرداد 1312 قرارداد دیگری بمدت 60سال بر رضاخان تحمیل کردند.

4. بعد از شهریور 20 و تبعید رضا خان و شکست هیمنه دیکتاتوری او در نگاه خلق ایران و شروع مبارزات رهابخش و آزادیخواهانه و عدالت طلبانه ملت ایران و تشکیل مجلس چهاردهم و ورود اقلیت آزادیخواه تحت رهبری دکتر محمد مصدق به مجلس در اذر ماه سال 1323 توسط اقلیت آزادیخواه مجلس چهاردهم برهبری مصدق " ممنوعیت قانونی دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با بیگانگان به تصویب مجلس چهاردهم رسید و تصویب این اصل پیش در امدی جهت خیز بطرف ملی شدن صنعت نفت گردید.

5. واقعه ترور ناموفق مرموز شاه در 15 بهمن 1327 که بستر برقراری حکومت نظامی و لغو تمامی دستاوردهای آزادی های اجتماعی (که از شهریور 20 بعد از شکست و تبیعد رضا خان بوجود آمده بود) گردید زمینه ای گردید تا با گسترش اختناق و سانسور زمینه 8 ماهه ای برای مذاکرات پشت پرده گلشائیان (وزیر دارائی دولت ساعد) و گس (نماینده دولت انگلیس) فراهم گردد که حاصل این مذاکرات 8 ماهه پشت پرده اهنین عقد قرارداد الحاقی گس - گلشائیان گردید که مقدمه ای برای تحیل قرارداد 1933 و ثوق الدوله گردید.
6. در سال 1328 دوران مجلس پانزدهم به پایان رسید و مجلس شانزدهم که تعیین کننده ترین مجلس پس از مشروطیت بود با ورود اقلیت آزادیخواه تحت رهبری دکتر محمد مصدق تشکیل گردید.
7. با آغاز جنگ شبه جزیره کره در سال 1329 شمسی و زمین گیر شدن امپریالیسم تازه نفس پیروز دو جنگ جهانی یعنی امریکا و اعتلای روز افزون بلوک شرق بر رهبری شوروی زمینه برای تقسیم باز تقسیم مسالمت آمیز بین دو امپریالیسم جهانی انگلیس و امریکا فراهم گردید.
8. در 9 اردیبهشت ماه سال 1330 شمسی (1951 میلادی) قانون خلع ید انگلیس در 9 ماده با تلاش پیگیر مصدق و هم رزمان او به تصویب مجلس شانزدهم رسید.
9. با اعلان قانون خلع ید انگلیس از نفت ایران علا استعفا داد و علی رغم خواست در بار و امپریالیسم انگلیس و امریکا دکتر محمد مصدق تحت پیشنهاد جناح آزادیخواه مجلس شانزدهم به نخست وزیری برگزیده شد.
10. پس از تصویب قانون خلع ید 9 اردیبهشت 1330 مجلس شانزدهم دولت امریکا در روز 28 اردیبهشت ماه سال 1330 یعنی 19 روز بعد از تصویب قانون خلع ید توسط مجلس شانزدهم به حمایت از انگلیس برخاست و طی بیانیه ای اعلام عدم رضایت دولت امریکا و شرکتهای نفتی امریکا از ملی کردن صنعت نفت ایران توسط مجلس که مغایر با نظم جهانی تقسیم باز تقسیم جهانی پس از جنگ دوم جهانی در خاورمیانه بود اعلام کرد.
11. تصویب قانون خلع ید در 9 اردیبهشت سال 1330 با مخالف شدید امپریالیسم انگلیس و شرکت نفت ایران - انگلیس گردید در نتیجه نماینده شرکت نفت ایران انگلیس در ایران از دولت ایران خواست که اختلاف به دیوان داوری لاهه برده شود.
12. دو هفته بعد از طرح شکایت دولت انگلیس در دیوان داوری لاهه زمانیکه ترومن متوجه شد که دولت مصدق تصمیم به دفاع در دیوان لاهه دارد و بهیچ وجه آماده عقب نشینی نمی باشد تصمیم گرفت تا از بیانیه اول خود که برضد مصدق و قانون خلع ید و حمایت اشکار از امپریالیسم انگلیس بود عقب نشینی کند و نقش میانجیگری در پیش گیرد بهمین ترتیب ترومن در پیامی که در 10 خرداد 1330 برای مصدق فرستاد نوشت: صمیمانه امیدوارم که دولت ایران ضمن مجاهداتی که برای اجرای برنامه ملی کردن صنعت نفت می نماید مذاکرات دوستانه با دولت انگلیس و امریکا را پیشه ی خود کند و من میدانم که جنابعالی برنتایج خطیر این وضع قابل آنفجار و قوف کامل دارید و مطمئنم که شما خوب میدانید که بنده تا چه اندازه نگرانم که اختلاف بین ایران و انگلیس بر ملی شدن صنعت نفت مبادا بجائی برسد که منجر بعدم توافق و دنیای ازاد گردد.
13. اوائل تیرماه 1320 کشتی های نفت کش انگلیس از آبادان خارج شدند و خرید و فروش نفت ایران در بازار جهان از طرف دو غول امپریالیسم تحریم گردید و دولت مصدق را اسیر يك فشار مضاعف ساختند و در همین زمان بود که روز 8 تیرماه 1330 روزنامه انگلیسی نیوز استیتمون از زبان دولتمردان انگلیسی نوشت: دیر یا زود باید به كمك امریکائیا و فرانسویها و هلندیها سیاست مشترکی در باره نفت ایران اتخاذ کنیم چراکه يك انقلاب ملی و اجتماعی در ایران در پس پرده در حال شعله ور شدن می باشد که بتدریج سراسر خاورمیانه و اسیا را خواهد گرفت ما باید بر علیه این انقلاب مصدقی هماهنگ عمل کنیم و گر نه گرفتار بن بست خواهیم شد.
14. در سیزدهم تیرماه سال 1330 دادگاه لاهه طی تصمیمی در باب دعوی فوق حق به انگلیس داد و از شرکت نفت ایران و انگلیس حمایت کرد.
15. در 22 تیرماه 1330 هاریمن نماینده ترومن جهت پادرمیان (ی پس از خلع ید از شرکت نفت ایران - انگلیس و پس از حاکمیت شرکت ملی نفت ایران استخراج تصفیه - فروش نفت ایران و پس از تحریم جهانی خرید نفت از ایران توسط دو غول جهانی امپریالیسم امریکا و انگلیس و پس از رد نظریه 13 تیرماه سال 1330 توسط مصدق و تلاش مصدق جهت کشاندن موضوع به شورای امنیت و مجمع جهانی سازمان ملل) به ایران آمد و در 12 مرداد 1330 يك هیات انگلیسی به ریاست استوکس به ایران آمدند و در طی مذاکراتی که با مصدق داشتند هر دو هیئت امریکائی و استوکس پذیرفتند که هئیت مدیره شرکت ملی عهده دار اداره صنعت نفت باشد به شرطی که مدیر عامل شرکت نفت ایران يك انگلیسی منتخب دولت انگلیس باشد مصدق در پاسخ به این پیشنهاد

- هاریمین امریکائی و استوکس انگلیسی در 1330/6/17 در جلسه علنی مجلس شورای ملی چنین گفت : استوکس می گفت شرکت نفت انگلیس و ایران دیگر در ایران وجود ندارد ولی آن شرکت خارجی می خواهد مقدار مهمی نفت از شرکت ملی ایران خریداری کند گفتم بسیار خوب بعد گفتند مدت معامله باید 25 سال باشد گفتم بسیار خوب این هم برای ما اهمیت ندارد بعد گفتند آن شرکت خارجی باید يك اژانس در ایران داشته باشد و این اژانس دارای يك مدیر انگلیسی باشد من از آقای استوکس پرسیدم پ شرکت ملی نفت ایران در اینجا چه کاره است ؟ ایشان در جواب من گفتند در این صورت شرکت ملی نفت ایران مثل چیزی است که سایه روی این تشکیلات یا اژانس می اندازد و من در جواب گفتم نه و اینجا بود که توطئه مشترک امریکا و انگلیس به بن بست رسید.
16. در اواخر بهمن ماه سال 1330 بانك بین المللی (پس از شکست مذاکرات هاریمین -استوکس با مصدق) به نمایندگی آن دو غول امپریالیستی جهت معامله با مصدق وارد ایران شدند و پیشنهادی بدین صورت به مصدق دادند الف -بازگشت کارشناسان انگلیسی به ایران ب -فروش نه دهم نفت حاصله با يك ثلث تخفیف به بانك بین المللی که از طرف مصدق رد شد.
17. در دیماه 1330 امپریالیسیم تازه نفس جهانی (امریکا) رسماً از مصدق خواست که ایران جهت پیوستن به بلوک ضد شوروی در خاورمیانه پیمان امنیتی متقابل با امریکا امضاء کند که مصدق از این خواسته امریکا امتناع کرد.
18. در 7 خرداد ماه 1331 مصدق در دیوان لاهه حاضر شد و ضمن رد صلاحیت دادگاه لاهه در رسیدگی به شکایت شرکت نفت انگلیس به افشای سیاست امپریالیستی انگلیس پرداخت.
19. در 22 تیرماه 1331 مصدق برای اصلاح امور اقتصادی -اجتماعی از مجلس اختیارات شش ماهه خواست که نمایندگان وابسته به دربار شاه در برابر مصدق با پیوند با دوغول جهانی صف کشیدند و رسماً دربار در کنار آن دو غول در برابر مصدق قرار گرفت و بهمین خاطر بود که مصدق در 25 تیرماه 1331 در اعتراض به صف ارائی در بار شاه با او از مقام نخست وزیری استعفاء داد.
20. در 27 تیرماه 1331 احمد قوام پس از گرفتن حکم نخست وزیری از شاه اعلامیه ای بشرح ذیل منتشر کرد : من بهمان اندازه که عوامفریبی در امور سیاسی بیزارم در مسائل مذهبی از ریا و سالوس منزجرم -وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال کنند -من دست به تشکیل محاکمه انقلابی میزنم و روزی صدها تبهکار از هر طبقه قرین تیره روزی میسازم -به عموم اعلام می کنم که دوره عصیان سپری شده است و روز اطاعت از دربار فرا رسیده است -کشتیان را سیاستی دگر آمد.
21. روز 28 تیرماه 1331 سی نفر از نمایندگان هودار مصدق در مجلس شورای ملی در اعتراض به نخست وزیری احمد قوام توسط دربار بیانیه ای صادر کردند و روز 30 تیر روز تعطیل عمومی اعلام کردند و از مردم خواستند به اعتراض و اعتصاب بر علیه احمد قوام بپردازند.
22. روز 29 تیرماه 1331 مردم به محض شنیدن خبر استعفاء دکتر محمد مصدق مغازه ها را تعطیل کردند و کشور بحالت اعتراض در نوعی اعتصاب و تعطیلی فرو رفت که همگام با آن سیل تلگراف و اعلامیه از اقصی نقاط ایران بحمایت از مصدق بطرف تهران سرازیر شد در روز 29 تیرماه 1331 سیل اعتصاب و اعتراض به جنبش کارگری هم رسید و در نتیجه به موازات تعطیلی بازارها کارخانجات و خطوط اتوبوسر آنی و حمل و نقل کشوری نیز دست از کار کشیدند.
23. روز 30 تیرماه 1331 اجتماعات مردمی به حمایت از مصدق با شعار یا مرگ یا مصدق خیابان اصلی شهر بخصوص روبروی دانشگاه تهران و میدان بهارستان پر کردند که در نتیجه درگیری دسته های کفن پوش با نظامیان مستقر در شهر صدها نفر کشته و زخمی شدند.
24. در ساعت 4 بعداز ظهر روز 30 تیرماه 1331 قوام سلطنه استعفا داد و سربازان به به سربازخانه ها برگشتند.
25. همزمان با استعفاء احمد قوام دیوان بین المللی لاهه رای خود مبنی برعدم صلاحیت دیوان برای رسیدگی به شکایت دولت انگلیس علیه شرکت ملی نفت ایران و مصدق اعلام کرد که پیروزی مردم در 30 تیرماه 1331 کامل کرد.
26. از شهریور ماه 1331 باند شعبان بی مخ و طیب و رمضان یخی و اکبر سیاه و غلام دده و ..بعنوان لباس شخصی ها که توسط دربار سازماندهی شده بودند با ساطور و چاقو حمله به سازمان ها و احزاب سیاسی و آتش زدن بساط روزنامه فروشی ها و ایجاد جو متشنج که زمینه ساز کودتای نظامی بر علیه مصدق بود آغاز کردند .

27. در روز 24 مهرماه 1331 مصدق فرمان قطع رابطه سیاسی با انگلستان اعلام کرد .
28. در روز اول آبانماه 1331 مصدق مجلس سنا (که بزرگترین مرکز توطئه دربار بر علیه مصدق بود) منحل کرد
29. در اسفند ماه 1331 وزارای خارجه امریکا و انگلیس برای رسیدگی به مسائل فوری و غیر عادی خاور میانه در واشنگتن گرد هم آمدند و به این نتیجه رسیدند که : چون دولت مصدق دست از نظر ایالتی که منافی منافع شرکت های نفتی است بر نمی دارد دیگر ادامه مذاکرات با دولت مصدق بی فایده است .
30. در اول اردیبهشت ماه 1332 سر تیپ افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور که طرفدار مصدق و مخالف دربار شاه بود به وسیله عوامل دربار بعداز شکنجه وحشیانه به قتل رسید .
31. در 12 مرداد ماه 1332 مصدق پس از به رفراندم گذاشتن موضوع انحلال مجلس هفدهم مجلس هفدهم که توسط خیانتهای باند کاشانی مانع پیشرفت حرکت مصدق شده بود منحل اعلام کرد .
32. با پیوستن کاشانی -بروجردی -فدائیان اسلام به صف مثلث دربار -انگلیس -امریکا و حزب توده و ایجاد شکاف در بین نیروهای جبهه ملی و خیانت مظفر بقائی و حزب زحمت کشان و گروه خلیل ملکی و حسین مکی و...صف بندی بر علیه مصدق از فروردین سال 1332 وارد مرحله تازه ای گردید.
33. در روز 28 مردادماه 1332 دولت ملی دکتر محمد مصدق توسط کودتائی که توسط دو غول امپریالیستی و دربار و کاشانی و حمایت معنوی بروجردی و زمینه سازی باند شعبان بی مخ - طیب - اکبرسیاه -رمضان یخی - غلام دده - مظفر بقائی و... شکل گرفت سرنگون شد .
34. با تشکیل کنسرسیومی مرکب از شرکتهای بزرگ نفتی امریکا و فرانسه و هلند و شرکت سابق نفت جنوب یا شرکت نفت ایران و انگلیس که 40% از آن شرکتهای نفتی امریکا بود و 40% از آن شرکت نفت جنوب یا ایران -انگلیس بود و 14% شرکت نفت هلندی و 6% شرکت نفت فرانسه با دولت کودتا وارد معامله شدند.